



اُستروکا ، پاپیروس و پوست نوشته

CII



نویسنده: دیتروبر

مترجم : مهناز (دغدو) بصیری

استراکا، پاسروس و پوست نوشته

(ویرایش C11)

نویسنده: دیتروبر

مترجم: مهنار بصیری (دغدو)

عنوان و نام پدیدآور	: اُستراکا، پاپیروس و پوست نوشته / پدیده آورنده: دیتر وبر
مترجم	: مهناز بصیری (دغدو)
ویراستار	: شقایق فتحعلی زاده
مشخصات نشر	: ندای تاریخ
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۷۲۶-۶-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
شناسه افزوده	: بصیری، مهناز، ۱۳۴۳- مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ الف ۵ و ۲ / PIR۲۰۵۱
رده بندی دیویی	: ۴۶۰/۰۶
شماره کتشناسی ملی	: ۴۶۰۷۸۵۴



اُستراکا، پاپیروس و پوست نوشته

پدیدآورنده: دیتر وبر

مترجم: مهناز بصیری (دغدو)

ویراستار: شقایق فتحعلی زاده

حروفچینی، صفحه آرایی و نظارت: موسسه و انتشارات ندای تاریخ

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

طراح جلد: زهرا میرعبدالحق

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۷۲۶-۶-۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است.

فهرست:

مجموعه کتیبه‌های ایرانی	۹
پیشگفتار	۱۵
پیشگفتار مترجم	۱۷
واژه‌های کوچک شده	۲۱
دیباچه	۲۵
لیست سندها	۳۱
اُستراکا	۳۵
پاپیروس و پوست نوشته	۱۷۵
پیوست‌ها	۳۰۱
پیوست الف: حروف	۲۹۳
واژه کوتاه شده NC	۳۰۵
کوتاه شده‌های دیگر و ویژگی‌های آنها	۳۰۷
مکمل پایانی در هزارشهای فعلی	۳۰۹
پیوست ب: زبان	۳۱۷
پیوست پ: تاریخ	۳۲۳
پیوست ت: نام شخص	۳۲۹
پیوست ج: نام مکان	۳۳۳
واژه نامه	۳۳۷
نگاره	۳۵۹

مجموعه کتیبه‌های ایرانی

نمایی از نقشه کار

کتاب‌ها و سندهای منتشر شده و یا در مطبوعات به شکل پررنگ نشان داده شده‌است

بخش ۱: کتیبه‌های ایران باستان

کتاب ۱ کتیبه‌های فارسی باستان

سند ۱: کتیبه‌های ایران باستان از پرسپولیس ویرایش آ. شاهپور شهبازی (۱۹۸۵)

متن ۱: کتیبه‌های بیستون از داریوش بزرگ: متن فارسی باستان. روریگر اشمیت (۱۹۹۱)

سند ۲: نمونه بابل از کتیبه‌های هخامنشی

متن ۱: کتیبه‌های بیستون از داریوش بزرگ: نمونه بابل. الیزابت از فوگتلند (۱۹۷۸)

سند ۳-۴: از کتیبه‌های هخامنشی ایلام و نمونه هیروگلیف مصر

سند ۵: نمونه آرامی از کتیبه‌های هخامنشی

متن ۱: کتیبه بیستون از داریوش بزرگ: نمونه آرامی. جانسون ث. گرینفیلد و بیزال پورتن

(۱۹۸۲)

بخش ۲: کتیبه‌هایی از دوره سلوکیان و پارتیان از شرق ایران و آسیای مرکزی

کتاب ۱: کتیبه‌های زبان‌های غیر ایرانی

کتاب ۲: پارتیان

۱: سندهای تجاری پارتیان از نسا (سندهای لشکانیان از نسا). م. دیاکونف و و. آ. لیوشیتس توسط د. ن. مکنزی، لوحه‌های ۱ (۱۹۷۶)؛ لوحه ۲ با متن ۱ (برگ ۱-۸۰)، غیر قابل جداسازی؛ لوحه ۳ (۱۹۷۹)

کتاب ۳: سغدی

۱: سندهای از کوه مُغ. ویرایش م. ن. بُگولوف، و. آ. لیوشیتس، و ا. آی. سمیرنوو، زیر نظر آی. ا. اُربلی (۱۹۶۳). چاپ نشده است.

۲: کتیبه‌های سغدی و سایر کتیبه‌های ایرانی از سایر پیشه‌ها. نیکلاس سیمز ویلیامز. ۱ (۱۹۸۹)؛ ۲ (۱۹۹۲)

۳: سندهای ترکی - سغدی ۴-۵ نیکولاس سیمز ویلیامز و جیمز همیلتون (۱۹۹۰)

کتاب ۴: خاور زمین

کتاب ۵: سکا

سند ۱: سندهای سکایی ۱. ویرایش ه. و. بیلی (۱۹۶۰)

سند ۲: سندهای سکایی ۲. ویرایش ه. و. بیلی (۱۹۶۱)

سند ۳: سندهای سکایی ۳. ویرایش ه. و. بیلی (۱۹۶۳)

سند ۴: سندهای سکایی ۴. ویرایش ه. و. بیلی (۱۹۶۷)

سند ۵: سندهای سکایی ۵. ویرایش ر. رای. ایمریک (۱۹۷۱)

سند ۶: سندهای سکایی ۶. ویرایش ر. ای. ایمریک (۱۹۷۳)

متن ۱: سندهای سکایی: متن کتاب ه. و. بیللی (۱۹۶۸)

کتاب ۶: بلخی (باکتریان)

بخش ۳: کتیبه‌های پهلوی

کتاب ۱: کتیبه‌های سلطنتی، نمونه پارتی و یونانی

کتاب ۲: کتیبه‌های پهلوی از دوره کهن

سند ۱: کتیبه‌های سرمشهد. ویرایش و. ب. هنینگ (۱۹۵۵)

سند ۲: کتیبه‌های از نقش‌رستم. ویرایش و. ب. هنینگ (۱۹۵۷)

سند ۳: کتیبه‌های کوچک کرتیر، به همراه کتیبه پایانی نقش‌رستم. ویرایش و. ب. هنینگ (۱۹۶۳)

کتاب ۳: دورا اورپوس

سند ۱: کتیبه‌های پارتیان و فارسی میانه از دورا اورپوس. ویرایش ر. ن. فرای (۱۹۶۸)

کتاب ۴-۵: اُستراکا و پاپیروس

سند ۱: اُستراکا، پاپیروس و پوست‌نوشته: مجموعه متن. از دیتر وبر (۱۹۹۲)

کتاب ۶: مهر و سکه

سند ۱: مهرهای کوشانیان و کوشانیان ساسانی و سکه‌های کوشانیان ساسانی: مهرهای ساسانی

در موزه بریتانیا. ویرایش آ. د. ه. بیوار (۱۹۶۸)

سند ۲: مجموعه مهرهای ساسانیان از محسن فروغی. ویرایش ر. ن. فرای (۱۹۷۱)

بخش ۴: کتیبه‌های پارسی دوره صفوی

کتاب ۲: دوره خراسانیان

سند ۱: خراسانیان ۱. ویرایش ویلیام ل. هاناوی، (۱۹۷۷)

کتاب ۶: دوره مازندرانیان

سند ۱: مازندرانیان شرق ۱. ویرایش آ. د. ه. بیوار و احسان یارشاطر (۱۹۷۸)

کتاب ۴۷: هندوستان: ایالت هاریانا

۱: هاریانا ۱. ستون فیروز شاه و سایر کتیبه‌های سرزمین حصار. ویرایش مهرداد شکوهی

(۱۹۸۸)

کتاب ۴۹: هندوستان: ایالت راجستان

۱: راجستان. ویرایش مهرداد شکوهی (۱۹۸۶)

سری تکمیلی

کتاب ۱: واژه نامه کتیبه‌های پهلوی پارسی. فیلیپ گیگنوکس (۱۹۷۲)

کتاب ۲: سرودهای مانویان هویداد گمان و انگد روشن در پارسی و سغدی. ورنر ساندرومن (۱۹۹۰)

بخش افزوده شده این منابع از سوی مترجم

a- ۲۰۰۳: پاپیروس، پوست نوشته و تکه پارچه زبان فارسی میانه. با همکاری و. براشر ویرایش
د. وبر بانک متن لندن C۲۲.

a- ۲۰۰۳: پاپیروس برلین، پوست نوشته و تکه‌های پارچه (کتان) زبان فارسی میانه. (بانک متن
لندن C۲)

- b - ۲۰۰۳: «یک گواهی درست اواخر دوران ساسانیان از مصر» TYCHE ۱۷ (۲۰۰۲ [۲۰۰۳])، ۹۲-۱۸۵.
- b - ۲۰۰۳: «أستراکا - پهلوی از چال ترخان - عشق آباد». در: ه. پایول (ویرایش): منشاء پارسی، اوایل یهودی_پارسی و فارسی نو. مجموعه پاپیروس سمپوزیوم گوتنگن ۱۹۹۹. ویسبادن (ایرانیکا ۹).
- a - ۲۰۰۷: «ریخت‌شناسی^۱ پهلوی» ریخت‌شناسی آسیا و آفریقا، ویرایش آ. س. کایه، ۷۳-۹۴۱، دریاچه ویونا، هند.
- a - ۲۰۰۷: «پاپیروس پهلوی از مجموعه وین» در: پ. پالم (ویرایش): فایل‌های ۲۳. کنگره پاپیروس (وین، ۲۸-۲۲ ژوئیه ۲۰۰۱). وین (فرهنگستان علوم اتریش phil.Hist.kl، کمیسیون برای تاریخ قانون باستان).
- b - ۲۰۰۷: «برخی از گفته‌ها درباره نگارش کهن^۲ پهلوی». در: م. ماسوج / م. مگی / و. ساندرومن (ویرایش): زبان‌های ایرانی و متن‌هایی از ایران و تورفان. رونالدی. دفتر یابود امریک. ویسبادن (ایرانیکا ۱۳).
- b - ۲۰۰۷: «سخنان در مورد گسترش خط پهلوی در دوران ساسانیان»، در متن‌های مذهبی در زبان‌های ایرانی. سمپوزیوم Held در کپنهاک ماه مه ۲۰۰۲، ویرایش ف. وهمن و س. و. پترسن ۹۲-۱۸۵ کپنهاک.
- c - ۲۰۰۷: «مجموعه پاپیروس پهلوی وین» در اتن بیست و سومین کنگره جهانی پاپیروس (وین ۲۸-۲۲ جولای ۲۰۰۱)، ویرایش پ. پالم ۳۸-۷۲۵. آکادمی علوم اتریش Phil.-Hist.kl، برای کمیسیون تاریخ قانون. وین.
- ۲۰۰۸: سندهای پهلوی برلین. «گواهی از اواخر دوران ساسانی و فرهنگ حقوقی در دوران اولیه اسلامی است ویرایش ماریا مازوخ. ویسبادن (ایرانیکا ۱۵).
- ۲۰۰۵: «چند مجموعه کوچک أستراکا-پهلوی». در: زبان‌های ایران: گذشته و حال. مطالعات ایران به یاد دیوید نیل مکتزی. ویسبادن (ایرانیکا ۸)، برگ‌های ۲۲۸ - ۲۱۷.

^۱ Morphology.

^۲ Palaeography.

- ۲۰۰۸: سندهای پهلوی برلین. «گواهی از اواخر دوران ساسانی و فرهنگ حقوقی در دوران اولیه اسلامی است با کمک میریام کروتش و ماریا مازوخ. ویسبادن (ایرانیکا ۱۵).
- ۲۰۰۹: «یک پاپیروس پهلوی از دور [اسلامی]». در: BAI ۱۹ برگ‌های ۲۳۱-۲۲۵.
- زهینر، ر. س. ۱۹۳۹-۱۹۳۷: «Nāmak - nipēsišnĪh» در: BSOS ۹، برگ‌های ۱۰۹-۹۳.

پیشگفتار

این کتاب نتیجه چند سال کار و مطالعه بر روی سندهای پهلوی از جنس بسیار شکننده و با نوشتار شکسته است. تنها یک بار این پروژه با بودجه بنیاد پژوهش آلمان، اجازه پردازش نهایی اُستراکا و پاپيروس و پوست نوشته‌های دوران کهن ساسانی را، به‌عنوان بخشی از سرزمین فارس، در بخشی از مصر اشغالی یافت. براساس نسخه بازسازی شده از سوی ژ. د. میناسه، که به‌عنوان بخشی از مجموعه «کتیبه‌های ایران» در سال ۱۹۷۵ منتشر شده است؛ این تکه‌های پهلوی، به‌مجموعه پاپيروس هایدلبرگ فرستاده شد و در آنجا به بخش‌های کوچکتر با ریشه‌های گوناگون، بخش و پخش شدند. کسانی که در مورد دشواری‌های خوانش خط پهلوی آگاهی دارند، به‌خوبی درک خواهند کرد، که تفسیرهای پیشنهاد شده، پس از گفتگوهای بسیار و پس از اطمینان از درستی خوانش سندها ارائه شده‌اند. من هنوز هم امیدوارم که تفسیرها در مسیر درست انجام شده باشد.

از نهادهایی که با پشتیبانی خود، اجازه انتشار سندها را فراهم کردند، در اینجا دوباره سپاسگزاری می‌کنم؛ از مجموعه پاپيروس هایدلبرگ، از مجموعه پاپيروس‌های ارزروگ راینر کتابخانه ملی اتریش در وین و ناحیه ساکسون پایین و کتابخانه دانشگاه گوتینگن، همچنین از نهادهای موزه دانشگاه فیلاولفیا، موزه متروپولیتن و موزه بروکلین، نیویورک، موزه بریتانیا و کتابخانه بریتانیا، لندن، به‌عنوان کتابخانه ملی و همکاران دانشگاهی، استراسبورگ، و موزه لوور، پاریس، سپاسگزار هستم.

سپاس‌گزاری بسیار شخصی از آقای دکتر **ورنر ساندرمن**، برلین، به‌خاطر تماس سودمند و پیشنهادهای بسیار ویژه ایشان، به‌همراه تفسیرهای گفتاری که با من برقرار کردند. آقای **پروفسور دکتر دیتر هگدورز**، کُنن هایدلبرگ، **پروفسور دکتر یواخیم ویلدونگ** و **دکتر ویلیام براشر**، برلین، **دکتر هلموت زُهلینک**، دانشگاه گوتینگن، **دکتر هرمان هربرور**، وین، **دکتر مارتین استینمن**، باسیل، و دکتر **سک. کارل - هنز پریس**، مسئول سابق موزه DDR، برلین، که با مهربانی درباره بسیاری از پرسش‌های کار عملی یاری رساندند. من بسیار خوشحالم که بخش کتیبه‌های ایرانی به لیست شورا افزوده شده است. در آخر، البته

نه کمتر از سایر دانشمندان، من از آقای پروفیسور دکتر دیوید نیل مکنزی، گوتینگن، که اجازه دادند این پروژه تحقق یابد و سندها در کلیه زمینه‌ها، به شکل همه گیر چاپ و پخش یابند، سپاسگزار هستم.

مرینگن، سال نو ۱۹۹۲

دیتر وبر

پیشگفتار مترجم

کتابی که پیش رو دارید، نخستین کتاب ترجمه شده به فارسی دربارهٔ سندهایی است که به خط پهلوی در دوران ساسانی نوشته شده است. اصل این کتاب به زبان آلمانی است که تاکنون در ایران چاپ نشده است. این دست‌نوشته‌ها، به شکل سفال‌نوشته (آستراکا)^۱، پاپیروس^۲ و پوست‌نوشته^۳ (سندهای خطی بر روی پوست آهو) پیدا شده‌اند. سفال‌نوشته‌ها، در ایران یافت شده و همگی از دادن سهمیه خوراک و آشامیدنی به مردم آن دوران - شاید کارگران و کارگزاران - حکایت می‌کند، با بررسی و کنکاش بر روی این سندها می‌توان دریافت که خوراک اصلی مردم در هزار و پانصد سال پیش چه بوده و هر کس به چه شکل و به چه میزان آن را دریافت می‌کرده است، بر روی تمامی این سندها رد یک خط خوردگی وجود دارد و به گمان من، این خط‌ها نشان می‌دهند که سهمیه کالا به صاحبش تحویل داده شده است، و نشان از پایان کار یا معامله دارد؛ بخش دوم کتاب مجموعه نامه‌هایی است که بر روی پاپیروس و یا پوست نوشته شده و بین دو کشور مصر و ایران - در طول ۱۰ سال حکمرانی پارسیان بر مصر - رد و بدل شده است. خواندن نام مردان، نام مکان‌ها، حیوان و نام روز و ماه از جمله یافته‌های این دست‌نوشته‌ها است. این‌طور گفته می‌شود که این سندها، در کاوش‌های باستان‌شناسان در مصر یافت شده و برای خواندن به اروپا فرستاده شده است؛ زمانی بخش قابل‌توجهی از این سندها گم شد و پس از سال‌ها در شهر سن‌پترزبورگ پیدا شد بدون آنکه هرگز کشف شود که چه هنگام و یا چگونه و به چه منظور، این سندها به آن شهر راه یافته‌اند و تاکنون، با وجود تلاش و پافشاری بسیاری از دانشمندان، حتی یکی از آن دست‌نوشته‌ها خوانده و بررسی نشده‌اند. اکنون سایر این سندها در گوشه گوشه جهان پراکنده شده‌اند، شهرهایی چون وین، هایدلبرگ، مسکو، اتریش، لندن، پاریس، برلین، فیلادلفیا، گوتینگن، استراسبورگ، بابل، قاهره، سن‌پترزبورگ و البته بخش کوچکی از سفال‌نوشته‌ها در کشور مادر، در تهران و در موزه ملی نگهداری می‌شود.

^۱ Ostraca

^۲ Papyri

^۳ Pergament

از آنجا که این سندها همگی تنها با استفاده از یک فرهنگ - فرهنگ مکنزی - خوانده شده است، و بسیاری از واژه‌های آن همچنان بدون معنی به‌جامانده‌است، و پژوهشگران گرامی به - خوبی آگاه هستند که استفاده از یک فرهنگ به تنهایی نمی‌تواند جواب‌گوی تمامی بررسی‌ها باشد، در ایران ما چندین فرهنگ‌نامه گوناگون فارسی میانه (پهلوی) داریم که به کوشش دانشمندان زبان‌شناس ایرانی نوشته شده‌است، امیدوارم روزی یک دانشمند و یا پژوهشگر جوان ایرانی، این سندها را بازخوانی کنند و نتیجه بررسی‌های خود را با توجه به سایر فرهنگهای موجود، در اختیار دیگر پژوهشگران قرار دهند، خواندن خط پهلوی برای مردمی که زبان مادریشان را با این خط می‌نگاشتند هم شیرین و هم سد درسد همراه با نگاهی ژرفتر همراه خواهد بود؛ چه بسا این بار برای واژه‌های نامفهوم و خوانده نشده، معنا و تفسیر جدیدی بدست آورند.

از آنجا که این کتاب می‌تواند مرجع پژوهش‌های آینده باشد و همچنین می‌تواند روش درست بررسی سندهایی از این دست را به پژوهشگران نشان دهد، لازم میدانم پیش از آغاز خواندن متن کتاب، توجه خواننده گرامی را به چند نکته درباره چگونگی ترجمه و نگارش کتاب جلب کنم، کتاب با بخش اُستراکا آغاز می‌شود، که من با پیروی از زبان بین المللی سندها با حرف «O» نمایش دادم، در برابر شماره هر سند مکان نگاهداری کنونی سند نوشته شده‌است؛ من نخست این بخش را به فارسی نوشته بودم، اما پیش از چاپ کتاب، آن را دوباره به واژه انگلیسی نوشتم، زیرا گمان من این است که اگر پژوهشگر ایرانی مایل باشد به سراغ اصل سند در سایت ویژه نگاهداری آن رفته و آن را جستجو کند، ناگزیر است که آدرس کامل آن را داشته باشد و با کمک آدرس دقیق سند راحت تر آن را خواهد یافت. پس از آن، بخش حرف نویسی و آوانویسی و ترجمه سندها نوشته شده، من شماره هر خط را پُررنگ کردم تا باز پژوهشگر گرامی به راحتی تفسیر هر خط را پیدا کند. سایر سندهایی که به‌عنوان گواه توسط نویسنده کتاب، برای هر واژه آورده شده، نیز پُررنگ شده است، بدین شکل که، شماره سند پُررنگ و شماره خط آن کم‌رنگ نوشته شده‌است.

در بخش دوم، سندهای پاپیروس و پوست نوشته در کنار هم قرار گرفته است و با حرف «P» به شیوه بخش نخست بررسی شده‌اند؛ این بار نیز برای این که سندها را از هم مشخص کنم،

سندهایی که بر روی پوست بودند را به شیوهٔ ایتالیک تایپ کردم و بدینوسیله از سایر سندها، جدا کردم. بخشی از این سندها، دو رویه هستند، یعنی نویسنده متن سند را در رو و پشت سند نوشته است. برای تشخیص این بخش در بیشتر سندها حرف R نمایانگر نوشتهٔ رو سند و حرف V نمایانگر نوشتهٔ بخش پشت، سند است.

در بخش سوم، پیوست‌های کتاب آمده است، که توجه پژوهشگر گرامی را بویژه به این بخش جلب می‌کنم، شاید پاسخ بخشی از پرسش‌های شما را در خود جای داده باشد. در پایان کتاب بخش واژه نامه قرار دارد، این بخش به گونه‌ای نگاشته شده که دانشمندان و پژوهشگران گرامی به راحتی می‌توانند واژه مورد بررسی خود را بیابند.

از خوانندگان گرامی کتاب، خواهش می‌کنم، در صورت مشاهده هرگونه اشکال و یا اشتباهی آن را به آگاهی من برسانند، تا در چاپ دوم کتاب، به آنها توجه کرده و درست کنم. در پایان بسیار شایسته است که نخست از آقای **دکتر سیروس اوشیدری**، که برای نخستین بار مرا با زبان آلمانی آشنا کردند و به‌هنگام ترجمه این کتاب همواره مرا یاری کردند، سپاسگزاری می‌کنم. سپس از آقای **فرشید ابراهیمی** به‌خاطر اینکه پیشنهاد ترجمه کتاب را به من دادند و متن این کتاب را در اختیارم قرار دادند، سپاسگزاری می‌کنم و همچنین از مهر و یاری بی‌دریغ و همیشگی دوست و همراه مهربانم بانو **نفیسه شاه‌حسینی** که مرا در به انجام رساندن کتاب یاری کردند، سپاسگزاری می‌کنم.

واژه‌های کوچک شده^۱

م. بوئیس، لیست واژگان فارسی میانه و پارتی مانوی، لیدن - تهران - لیژ ۱۹۷۷ (اکتایرانیکا ۹ا).	بوئیس
ر. ن. فرای، متن‌های به‌جامانده ساسانی از قصر ابونصر، کمبریج، ۱۹۷۳.	فرای ۱۹۷۳
ف. گیگوکس، نام مناسب کتیبه‌های ساسانی فارسی میانه، وین ۱۹۸۶.	گیگوکس ۱۹۸۶
آهائسن، پاپیروس فارسی میانه مجموعه پاپیروس موزه ملی برلین. (Abh. d preuss. Akad. D. Wiss. ۱۹۷۳، شماره ۹) برلین ۱۹۳۸.	آهائسن
جی. هارماتا، «گذری به مصر در پایان دوران باستان»، مرکز مطالعات مصر، I، بوداپست ۱۹۷۴، ۱۷۵-۱۶۵.	هارماتا ۱۹۷۴
و. ب. هنینگ، «ایرانی میانه»، کتاب کوچک شرق، ۱/۴، ۱، لیدن - گُلن ۱۹۵۸، ۱۳۰-۲۰.	هنینگ، میران
ف. یوستی، کتاب نام‌های ایرانی، مبرورگ ۱۸۹۵ (توسط دکتر هیلدسیهیم ۱۹۶۳).	یوستی، Nb
م. مایرهورفر، تولد پرسپولیس. وین ۱۹۷۳.	مایرهورفر OnP
ژ. د میناسه، «پژوهش پاپیروس پهلوی» در مجله آسیا، ۲۴۱ (۱۹۵۳)، ۱۹۶-۱۸۵ [چاپ دوباره در ژ. د. میناسه، مطالعات ایرانی، پاریس ۱۹۸۵، ۱۷۵-۱۶۳ (= پژوهش‌های ایرانیکا، بخش ۳)].	د میناسه ۱۹۵۳
آ. ج. پریکسانجان، «انجمن پاپیروس‌های پهلوی GMIII سرپرستی آ. س. پوشکین»، در مجله vestnik drevnej istorii، ۱۹۶۱، ۳، ۹۳-۷۸.	پریکسانجان
س. سلمن، «فارسی میانه»، در GIP، دفتر ۱، استراسبورگ ۱۹۰۱-۱۸۹۵، ۳۳۲-۲۴۹.	سلمن، فارسی میانه
و. ساندن، فارسی میانه و کیهان‌شناسی پارتی و متن‌های مانویان. برلین ۱۹۷۳ (= نوشته‌های تاریخ و فرهنگ شرق باستان. متن‌های تورفانی برلین، IV).	ساندن BTT IV
و. ساندن، «فارسی میانه»، در خلاصه زبان ایرانی، ویسبادن ۱۹۸۹، ۱۶۴-۱۳۸.	ساندن، فارسی میانه
د. ویر، «برخی از مجموعه پهلوی گوتینگن»، در JF ۷۴ (۱۹۶۹)، ۳۸-۳۲.	ویر ۱۹۶۹

ویر ۱۹۷۳	د. ویر، «بررسی برخی از پاپیروس‌های پهلوی»، در مجله شرق‌شناسی، ۳۵ (۱۹۷۳)، ۸۱-۸۳.
ویر ۱۹۸۳	د. ویر، «سند‌های پهلوی در مجموعه پهلوی کتابخانه ملی شرق‌شناسی در وین» یادبود پاپیروس ارژرزوگ راینر (مرکز پاپیروس راینر). وین ۱۹۸۳ (باتک متن)، ۲۱۵-۲۲۸.
ویر ۱۹۸۴	د. ویر، «پاپیروس و اُستراکا پهلوی: براساس پژوهش»، پژوهش‌های ایرانی میانه، لوور ۱۹۸۴ (=تکه‌های لوونسیا شرقی ۱۶)، ۴۳-۲۵.
ویر ۱۹۹۱	د. ویر، «متن ناشناخته از پایان دوران ساسانی؟» در مجله ایرانیکا، مقاله ارزشمند پروفیسور دکتر نیل مکتری در مراسم زادروز ۶۵ سالگی ایشان، ویرایش رونالد ای. امریک و دیتر ویر. فرانکفورت در مین - برن - نیویورک - پاریس ۱۹۹۱، ۲۲۸-۳۳۶.
ویر ۱۹۹۲	د. ویر، «خوشنویسی و خط شکسته: دشواری خط پهلوی در پاپیروس و اُستراکا». در روند دومین پژوهش مجموعه ایرانی میانه، لوون (در مطبوعات).
AIW	کریس. بارتلمه، واژه‌نامه ایرانی باستان، برلین ۱۹۰۴ (تا سال ۱۹۶۱)
BSO(A)S	بولتن مطالعات دانشکده شرقی (و آفریقا). لندن.
CII	متن نوشته‌های ایرانی، بخش III: نوشته پهلوی، دفتر iv و اُستراکا دفتر v، پاپیروس I pf اُستراکا و پاپیروس، ویرایش ژ. د. میناسه، لندن ۱۹۵۷.
CPD	د. ن. مکتری، فرهنگ کوچک پهلوی. لندن ۱۹۷۱. (چاپ دوباره ۱۹۸۶، ۱۹۹۰).
GIP	طرح اصلی زبانشناسی ایرانی، جلد ۲، ویرایش و. گیگوروی. کوهن. استراسبورگ ۱۸۹۵-۱۹۰۴.
IF	پژوهش‌های هند و اروپایی، مجله هند و اروپایی و زبانشناسی عمومی. لایپزیگ، برلین.
KZ	مجله کوهین، پژوهش تطبیقی زبانشناسی در زمینه زبان هند و اروپایی. گوتینگن.
SGS	ر. ی. ایمبریک، پژوهش‌های دستور زبان سکا. لندن ۱۹۶۸. (سری شرق‌شناسی لندن، دفتر ۲۰).
ZDMG	مجله آلمانی «انجمن شرقی آلمان» لایپزیگ. ویسبادن.

تفسیر نشانه‌های کتاب

حروف ناکامل	(.....xx)
مکمل	[.....xx]
رویه آسیب‌دیده	////////
نشانه متن ناخوانا یا بدون تفسیر	
حرف (یا حروف) نامشخص	x [?]

دیباچه

بیشتر بازسازها، از مجموعه *آستراکا* (O. ۱ تا O. ۱۹۰)،^۱ که اکنون در لندن، موزه بریتانیا نگهداری می‌شوند، در کتاب آمده‌است، این سندها، از یک حفاری توسط *هرتسفلد*، از نزدیکی ناحیه *کهن ری* است، وی در سفرنامه خود که در سال ۱۹۲۶ چاپ شده، از چگونگی پیدا کردن و برداشت نخستین خود، از این تکه‌ها را نوشته است.

«افزون بر آن، نکته‌های کلیدی بسیار جالب و عجیب دوران ساسانی، که در ورامین، به وسیله حفاری‌های تصادفی و بدون برنامه‌ریزی بومیان، آشکار شد، این یافته‌ها در تپه‌های جدا از هم و بسیار زیاد آن ناحیه انجام شد، چنین به نظر می‌رسد که این تپه‌ها به عنوان دژ دفاعی در برابر اشراف‌زادگان بنا شده‌اند. تکه‌های کشف شده متعلق به سده ۶ م است و شامل جواهرات دست‌ساز از جنس گچ فشرده، به شکل نیمه انتزاعی و نیمه زینتی هستند که در دیوار جاسازی شده بودند. تکه‌های انتزاعی شباهت آشکاری به ترکیب‌های *تاق بستان* دارند و تکه‌های زینتی شخص را وادار می‌کنند که آنها را همسان تزیینات دوران ساسانیان، سده ۶، بداند. این تکه‌ها، بسیار زیبا و کامل، با رنگ آمیزی نفیس گیاهی روناس، آبی فیروزه‌ای، مسی و سبز، همانند تکه‌های Z. B. سامرا بودند. مرحله دوم، در همین ناحیه چندین تکه سند دارای کتیبه‌های پهلوی که با جوهر نوشته شده، بافت شد. به نظر می‌رسد، سندها به صورت حساب و سند تحویل بارهای (بارنامه) کشاورزی، اشاره می‌کند. آنها همچون پاپیروس‌های پهلوی مصر، ناخوانا هستند و کشف متن آنها زمانی طولانی در آینده را می‌طلبد، اما امید است که تعداد بسیار زیادی از آنها خوانده شود.»^۲ این بسته یکسان باید پایه و اساس درک فارسی میانه *آستراکا* را تشکیل دهد؛ از سویی، ممکن است این گونه گمان کنیم که افزون بر سندهایی که تاکنون منتشر شده است،^۳ هنوز هم سندهای بیشتری وجود دارند که تاکنون ناشناخته بجا مانده است.

^۱ همچنین نگاه کنید به. معرفی D. میناسه در نسخه-رونوشت سال ۱۹۵۷.

^۲ ZDMG ۸۰ (N. F. ۵)، ۱۹۲۶، ۲۸۳.

^۳ منتشر شده، اما هنوز ۲۰ *آستراکا* از حفاری آمریکایی در نزدیکی *ری* خوانده نشده است، از D. تامپسون در کتاب خود از آرایه‌های گچی *چال-تورخان* نزدیک *ری*، *وارمینستر* ۱۹۷۶ (Colt انتشارات موسسه باستان‌شناسی)، تصویر کشیده است. پردازش این تکه‌ها ارائه شده است.

یک گروه کوچک از این تکه‌ها (O. ۱۹۲ تا O. ۱۹۴ و O. ۱۹۶ تا O. ۱۹۸)، از حفاری‌های مشترک ایران و آمریکا در نزدیکی شیراز به دست آمده‌اند. سایر تکه‌ها، تک تک در مکان‌های جداگانه پیدا شده‌اند. مانند، O. ۱۹۱ که در شوش یافت شده و در سال ۱۸۵۳ در موزه بریتانیا ثبت شد، O. ۱۹۵ از نیشابور در خراسان است و O. ۱۹۹ یک کاسه سفالی است، که در هر دو سمت آن نوشته‌هایی دیده می‌شود، اما زادگاه نوشته‌ها ناشناخته است، اکنون در بخش مجموعه بابلی دانشگاه ییل در نیو هاون، ایالت کن نگهداری می‌شود.

دو سند آخر، با این شیوه پردازش نشده‌اند، O. ۱۹۵ یک نوشتار عجیب را نشان می‌دهد، که با خط پهلوی رایج آن دوره هماهنگ نیست و همینطور با سایر سبک‌های گوناگون نوشتار که تاکنون به دست آمده نیز، هماهنگی ندارد. ممکن است یک سنت نوشتار بومی در آن ناحیه وجود داشته است. از سوی دیگر اصالت این تکه باید بررسی شود، که نمی‌توانسته تاکنون انجام شود، زیرا بررسی Z. Z. آن یافت نشده است.

باید افزود که O. ۱۹۹ یک پرونده نو را باز کرده است، شاید این کاسه در مراسم آیینی، مورد استفاده قرار می‌گرفته است و ویژگی خاصی را آشکار می‌کند؛ سبک نوشتار پهلوی و بسیار شکسته آن، خواندن را بسیار دشوار کرده است. بنابراین، ما فکر کردیم که این کاسه را از این بخش حذف کنیم و یک پردازش ویژه برای آن، شامل، نگهداری و مقایسه این پرونده با سایر زبان‌ها (و نوشتار) در نظر بگیریم.

بیشتر أستراکاها یک سویه و به شکل رایج در سمت بیرون نوشته شده‌اند. أستراکاهای که در دو سو نوشته شده‌اند، پس از مشخص شدن سمت نوشتار آنها توسط ۵. میناسه (CII)، بخش بیرونی (a) و بخش داخلی (b) نشان داده می‌شود؛ این نکته به این معنی نیست که باید (a) نخستین بخش خوانده شده باشد (S. O. ۱۳۹).

بر اساس نکته‌های یاد شده، درحالی که أستراکاها گواهانی از سرزمین پارس هستند، پاپیروس و پوست نوشته‌ها، گواهانی از خارج، از دوران اشغال مصر در سده ۷، همگی از دوران پادشاهی خسرو ۲ هستند.

ریشه تاریخی این بخش به سده ۶، به دورانی که پادشاهی ساسانی پر از آشوب و ناتوان بود، برمی‌گردد. تاجگذاری خسرو ۲ (پرویز) حدود ۵۹۱/۵۹۲ پ.م تنها می‌تواند با کمک نیروهای

امپراطوری بیزانس، مارکوس برای پشتیبانی از خسرو در برابر بهرام گور انجام شده است. پس از ده سال مارکوس توسط پوکاس کشته می‌شود. اکنون دلایل لازم برای یورش به دولت بیزانس وجود دارد، بلافاصله نیروهای ساسانی گسیل می‌شوند، آنان با مقاومت کمی روبرو شدند و توانستند شهرهای انطاکیه، اورشلیم و در نهایت ممکن است به وسیله خیانت اسکندریه، یا، را گشودند و ارتش ایران توانست پیش از کنستانتین اوپل به این ناحیه برسد. اما، پس از چند سال، داستان تغییر می‌کند و نقشه‌ها واژگونه می‌شود: هراکلیوس، از میان ۶۱۰ فرمانروای جدید در بیزانس برگزیده شد، او با شجاعت و البته شانس در برابر سپاه ایران ایستاد، و ارتش خود را با کشتی حرکت داد و از راه بُسفر به ساحل آسیا آمد و از راه دریای سیاه به سوی شرق رسید، با راهپیمایی ناحیه‌های ارمنستان و آذربایجان را یکی پس از دیگری اشغال کرد، از آن میان می‌توان مرکز مذهبی در ناحیه شمال غرب ایران را نام برد. لازم است یادآوری شود که هراکلیوس اشتباه نکرد و به دلیل تهدید بیزانس به سرزمین خود برنگشت و به حرکت خود ادامه داد و سال به سال بیشتر پیشروی کرد و در نهایت در سال ۶۲۸ توانست مکان زندگی خانواده سلطنتی خسرو را در دستگرد، تیسفون اشغال کند.^۱ چگونگی نابودی نیروی سلطنتی، به خوبی در رویدادهای بعد نشان داده می‌شود؛ به دلیل شکست و خودداری خسرو از صلح، هراکلیوس پادشاه را دستگیر کرد و بی رحمانه به قتل رساند. جانشین پادشاه قباد II، سرنوشت بهتری داشت و توانست شش ماه پادشاهی کند. او توانست به کمک تعدادی از پادشاهان تنها قدرت فرمانروایی خود را محدود کند. بنابراین، انتقال قدرت به حکومت اسلامی، در داخل کشور مدتی به درازا کشید.

در واقع، این بخش از تسلط پارسیان بر مصر، همیشه در تاریخ‌نگاری نادیده گرفته شده است. به هر حال، جزییات گشایش زمین‌های پیرامون نیل،^۲ بسیار ساده بود و شاید تنها تغییر فرمانروا

۱. نگاه کنید به. ای.ی. گارلند «مبارزه‌های پارسی فرمانروا هراکلیوس»، در بیزانس، مجله ۳، جلد (۱۸۹۴)، ۳۷۳-۳۳۰؛ ۱. پرنیس، امپراطور هراکلیوس، فلورانس ۱۹۰۵. در مورد مشکل بخش‌های جداگانه نگاه کنید به. ج. ۱. منندجان، «مسیرهای فارسی افزایش امپراطوری هراکلیوس»، در بیزانس تاریخ، III (۱۹۵۰)، ۱۵۳-۱۳۳.

۲. پیش از این تصور می‌شد که شاید مسیحیان فبطی با ایرانیان آرمان مشترک داشتند، زیرا آنها از رومیان متفر بودند؛ این نکته به سختی درست خواهد بود، زیرا همان‌طور که می‌دانیم صومعه‌های بی‌شماری در گشایش مصر توسط هوسرانی

انجام شده بود و آن ناحیه به مدت سه سال به پادگان امنی برای اشغالگران رومی و ایرانی بدل شده بود. اگرچه یورش به نیل، در برابر فشار ناشی از شکست در اسکندریه بود، اما رفتار خشونت آمیز مردم در برابر همین رفتار صورت گرفت. ممکن است تصور شود که از سال ۶۱۹ مصر در دست پارسیان بود و مصر تا سال ۶۲۸، تا تاریخ گشایش تیسفون، ناحیه ای امن بود، اما بیش از یک دهه بود که بیشتر ناحیه های غربی در حال گشایش بودند و در واقع گردن از سر جدا شده بود.

مشخص است که پارسیان، هنگامی که شهرها را گشوده و در آنها ساکن می شدند، نشان دادند که، حتی پس از جریان تند و سریع پس روی و تسلیم بدون شرط مصریان و ارسال هدیه های سخاوتمندانه آنان، می توانستند با خشونت به رفتار غیرانسانی خود حتی در برابر مکان های مذهبی، ادامه دهند.^۱ همچنین درباره مصر این موضوع باید مطرح شود که اشغال پارسیان تغییر و یا اختلال یا دشواری در زندگی روزمره آنان ایجاد نشده، و صلح نظامی زندگی را به مصر بازگردانده بود. حتی اگر مالیات به شکل طبیعی به صندوق دیگری سرازیر می شد، پارسیان، تمامی زندگی رایج، تجاری، بازرگانی خود را به شیوه مردم بومی خو گرفته و انجام می دادند. نشانه آشکار آن، ظاهر بدون تغییر پاپیروس های یونانی همین دوره است.^۲

اکنون ارائه و نشر پاپیروس و پوست نوشته ها فارسی میانه، از موزه های مختلف با خطر مواجه شده است، این نکته به ویژه برای سندهایی با شماره مستمر معنی دار می شود. زیرا این امر، برای سندهای P. ۱ تا P. ۵۹ از روی ویرایش D. میناسه (CH) مشخص شده است؛ اما با وجود

ایرانیان نابود شد. شاید نه تنها مسیحیان قبطی (شاید همچنین مخالفان امپراطور کاتولیک تک بعدی؟) مجبور بودند، به همان شیوه، باروشی ساده که با رومیان رفتار می کردند، اکنون با اشغالگران پارسی، نه بیشتر، رفتار کنند.

^۱. بدون هیچ تعصبی و با دلیل و گواه بسیاری که اکنون به دست آمده، به خود اجازه می دهم که بیان کنم این باور اکنون مورد پذیرش دانشمندان نیست. ارتباط و شیوه زندگی نگاشته شده در این سندها، خود گواهی بر این ادعا است.

مترجم

^۲. یک یادداشت سریع درباره پاپیروس های یونانی از دوره مبهم می تواند از سوی هانسن S. ۲۱ یافت شود. او توجه داده است که «توجه داشته باشید که پاپیروس ... یونانی باید دوباره از نظر اشغال پارسیان در مصر، در چارچوب گسترده تری بررسی شود» تاکنون تکه های جدید جالب P. Oxy. ۳۶۳۷ و P. Oxy. ۳۷۹۷ به دست آمده است، به آسانی دولت پارسیان در لباس یونانی پدیدار شدند S. در اینجا P. ۸۱. تقریباً به آسانی می توان سندهای مربوطه را از دایره المعارف کالداین پیدا کرد.

آن که در چندین مورد اشتباه در شماره گذاری دیده می شود، برای دوری از آشفته بازار ادبیات علمی، تغییر این روش شماره گذاری، نادرست به نظر می رسد. بنابراین، باید P. ۵۰ و P. ۵۱ با P. ۵۳ با همدیگر، شاید با P. ۵۶ و P. ۵۷ یکی باشد. از سوی دیگر تکه های دیگر با نام P. ۴۹ که از یک سند نیستند و باید از هم جدا شوند. افزون بر آن، در سه سند P. ۲۷، P. ۶۰ و P. ۱۱۳، تکه های حذف شده، دست کم باید برای تکمیل، نام برده شوند. در مورد نمونه ها، و درست کردن شماره های یاد شده، اختلاف نظر به خاطر بازسازی سندها است. هنوز هم نیاز به، تعیین دقیق تعداد سندهای از دست رفته، به ویژه در تکه های موزه لوور، پاریس، به شدت احساس می شود، از آنجایی که این تکه ها نمی توانند به صورت شخصی مشاهده شوند، درخواست برای بازدید از آنها، بی پاسخ مانده است.^۱

سندهای گنجانده شده در مجموعه هایدلبرگ، دوباره فهرست و طبقه بندی شدند، و با شناسه P. Heid. Pahl ۱ تا ۴۸ ارائه شدند. در اینجا، آنها، شماره های P. ۶۱ تا P. ۱۰۸ را گرفتند، تا همچنین با حفظ آنها (به اتفاق آرا دست کم ۲ شناسه) کمک کوچکی برای ارائه سندها کرده باشند. همین اصل، درباره مجموعه راینر (وین)، که دارای شناسه Pehl. ۵۸۴ تا Pehl. ۵۹۴ وجود دارد، سندها، با عنوان P. ۱۱۴ تا P. ۱۲۴ طبقه بندی شدند. سایر شماره های سندها، یعنی P. ۱۰۹ تا P. ۱۱۳، افزوده ها یا اصطلاحات هستند. در این راه، تلاش براساس نیازهای کاربران، و کسانی که در موزه ها، علاقمند به طبقه بندی سندهای شرق هستند، ارائه شود، که البته رضایت همه پژوهشگران را جلب نکرد، با توجه به مشخصات داده شده، قابل درک و پذیرش است.

تعیین رو و پشت پاپیروس ها، با توجه به سرشت بسیار پراکنده بیشتر تکه ها، آسان نیست. برای سندهای توصیفی تنها، یک سمت، به عنوان خط مشی عملی، در پشت سند نوشته می شد. براساس بافت الیاف عمودی فیبر، سند به شکل (↑) نوشته می شد. هنگام استفاده از هر دو سو پاپیروس، رو یا پشت، برای نوشتار نیز استفاده شده است، و شکل الیاف همیشه برای بخش پشت پاپیروس عمودی (↑)، و برای بخش رو پاپیروس همیشه افقی (→) است. استنها توسط **د. میناسه (CII)** و اشاره به نوشته های پشت و رو، و در تکه های بزرگتر (نامه)، به عنوان بیرون

پاپیروس، و تاخوردگی یک آدرس یا تاریخ، به نام پشت پاپیروس، و متن در داخل پاپیروس به عنوان رو پاپیروس آمده است (نگاه کنید به. P. ۷۴). این روش دوباره توسط سردبیران پیشین بررسی شد و با شکل و مقررات ویژه‌ای تعیین شد، این نکته قابل پذیرش است، زیرا آنان در عمل به نگهداری از سندهای ناقص و تکه تکه شده می‌پردازند. این درست است که تنها تعداد کمی از سندهای توصیفی در دو سمت نوشته شده‌اند. پرسش دربارهٔ بخش پشت و رو سندها، دربارهٔ مطالعه پاپیروس، برای برخی از بخش‌ها اهمیت بیشتری دارد، که البته ممکن است با تعیین جهت الیاف فیبرها، پاسخ داده شود؛ براین اساس است که اکنون سندها، با توجه به شکل کلی ارائه داده شده است.